



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۶۹

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

جلسه يك شنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۱۰ - ۷ شوال الكرم ۱۳۵۰

قیمت اشتراك سالانه داخله ۱۰۰ تومان  
خارجی ۱۲۰ تومان

نك شماره : بکقران

مطبعه مجلس

شماره مسلسل - ۵۸۴

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز يك شنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۱۰ # ( ۷ شوال ۱۳۰۰ )

## فهرست مذاکرات

- |  |   |
|--|---|
| ۱   تصویب صورت مجلس                            | ۱   شور و تصویب لایحه آزادی اسرار خارجی |
| ۲   تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه | ۲   ابلاغ دستور جلسه بند - ششم جلسه     |
| ۳   تصویب یک فقره سرشماری                      |   |

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز سه شنبه نوزدهم بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند ##

### ۱ - تصویب صورت مجلس

هزار چربی - آقای ملکزاده را عرض کردم  
دشمنی - این قدمت گفته شد .

رئیس - آقای حیدری  
چنددی - مابنده محترم آقای ملک زاده آملی را  
غالب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان از مقام  
منتخب ریاست استعجازه کرده بودند .

رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای وزیر مالیه  
فرمایشی دارید بنظر ما بناید

رئیس - مراجعه میکنیم و اصلاح میشود . آقای  
هزار چربی .

۲ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای ولرهمایه  
وزیر مالیه (آقای تنی زاده) - بنده در فقره لایحه  
دارم که هر دو را بقید فوریت باید تقدیم کنم یکی از  
آنها البته شاید درس بیعتی نیست و راجع باعتبار کشتی  
ها است که بکندری کسر آمده و فوری است تقدیم می

رئیس - آقای ملک زاده را غایب بی اجازه  
نوشته اند .

( بعضی از نمایندگان آقای حیدری گفتند )

رئیس - چه فرمودند آقای - بنده ملتفت نشدم

## عین مذاکرات مشروح شصت و نهمین جلسه از دوره هشتم تقنیه . ( مطابق قانون ۴ آذر ماه ۱۳۰۰ )  
دائرة تدوین و تصویب صورت مجلس

## اسامی غائبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

غائبین با اجازه : آقایان : منشی - میرزا محمد خان وکیل - حسین - آملی -  
غائبین بی اجازه : آقایان : تیمور تاشی - دیستانی - میرزا صادقخان آکر - آذربای - امظم زنکه - مصدق جهانشاهی -  
ملک زاده آملی - عبدالعزیز خان دیا - ملک آروسی - اقبال - حسین قلی خان ترواب - حاج فلاحتیچین ملک .  
دیر آمدگان بی اجازه : آقایان : دشتی - حاج میرزا حیدر الله ابن - استنباری - سرمنشی گلچان بیات - استنارزاده

کنم که اگر وقت رسید آن هم امیدوارم در ظرف چند دقیقه تصویب شود. یکی دیگر که مرکب از چند ماده است و مهمت است واقع بمسئله اسامیر خارجی است چون اسامیر خارجی را که دولت تقنینی درش قرار داد بواسطه این بود که دست های زیادی درش پیدا شده بود و خوف این بود که از مملکت خارج کنند اسامیرا و از مملکت هم خارج میکردند و ترتیب هرج و مرجی درش پیدا شده بود دولت اکثر تقنینی و نظارت درش برقرار کرد برای این بود (آسان خوب میدانند) که کسی بمشاورت معامله اسامیر بکنند مگر ترتیبات مخصوص و ترتیب قانونی و بواسطه بانک ها و همچنین برخی برای اسامیر مبین کرد و بهرانی قابل شد اما این برای وقتی بود که قانون ایحصار تجارت خارجی وجود نداشت و خوف ما بیشتر از این بود که واردات ما بر صادرات غلبه کرده بود و این خلل در رخنه عظیم بمملکت وارد می آورد و اسامیر خود بخود بالا میرفت. علاوه بر آنچه که بنزل چس نشرف در بازار خارج باید تأثیر داشته باشد بهیزان نرخ اسامیر خود قانون عرضه و تقاضا و کم بودن اسامیر و فاجاتی کردن بخارج از سرحدات بهر طریقیکه اشخاص میتوانستند و هر کسی آزاد بود که اسامیرا احتکار کند یا خارج بکنند بهر تقدیر باید از برقراری قانون ایحصار تجارت کشیده هر چه تقدیر بود تا حد ممتدنی ظاهر شد و در همان موقع خاطر دارم خیلی از آقایان اظهار می کردند که وقتی تعادل صادرات و واردات ما با بی ترتیب برقرار شد که هر کسی از این مملکت چیزی بیرون می برد یا باید بمعادل آن اسامیرا اینجا بیاورد که بدیند به آن یکجکه مال وارد میکند ما اینکه خود آن شخص وارد کند در اینصورت احتیاجی بنظارت و تقنینی اسامیر نیست و اگر اسامیر متفرقه غیر از منبع صادرات حاصل میشود لایحه دولت نیست آن را باید کردن. در همان موقع ما با خاندنی مبین کردیم ولی گفتند وقتی که قانون ایحصار تجارت جریان طبیعی خودی را بگیرد و درست منظر و برقرار بشود و رخنه های در آزمایش

مسدود بشود چنانچه آقایان مستحضرند کواقفاً در آزمایش بوده است و روز بروز در عمل تکمیل میشود و منافع و رخنه های مسدود میشود. حالا دولت تصور میکند دولت آن پیدا شده است که اسامیری که از منشا صادراتی حاصل نمیشود هیچ فیدی قرار ندهد و او را آزاد کنند یکجکه هم بمامانهای را و هم رختی را و اسامیر حاصله از تجارت را هم رختی را آزادکنند (کارزونی - صحیح است) آقای کارزونی هم در خارج از من بپرسیدند که آن اسامیری هم که از تجارت حاصل میشود آنها هم آزاد است یا آسم رختی آزاد میشود پس بخار بیرون نخواهند بود که اسامیر خودشان را بک نرخ رسمی و منی که دولت مبین کرده است بفرشند بلکه قانون عرضه و تقاضا و وضعیتی مقرر کرده است که نرخ اسامیر با از نرخ رسمی حالا بیشتر می میرسد و فاجاتی و بازار را مشروع قطعاً از بین میبرد یعنی چیزهاییکه مارتت پلس و نظایر را میخواند از بین می رود دیگر فاجاتی نمیشود چون حالا هر حال فاجاتی میشود ولی آفریت این حق مسا و مشروع از بین میبرد و هم انی میشود مشروع و بخار هم به به با بهت و نرخ خودشان می فروشند و اسامیری هم که بقیه از منشا صادرات تجاری حاصل میشود در بازار آزاد میشود و مردم هم در ذممت نمی افتند و بیولشان میرسد

**[ ۳ - تصویب یک فقره مرخصی ]**

رئیس - قبل از اینکه داخل در این موضوع شویم آقای را فرات گفتند: غیر مرخصی آقای ملک آرا می نمایند. محترم آقای ملک آرا می بواسطه کسالت شدید و لزوم مسافرت باوروا برای مهالجه تقاضای سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت نمودند اندک بچون با تقاضای ایشان موافق و اینک غیر آن را تقدیم نمیدارد.

رئیس - مخالفی نیست؟ (خیر) و واقعاً قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد

**[ ۴ - شور و تصویب لایحه آزادی اسامیر ]**  
رئیس - لایحه آزادی اسامیر مطرح است  
ساعت محرم مجلس شورای ملی  
نظر بسایه که از طرفی بواسطه اصول قانونی ایحصار تجارت اندیشه اصلاحات تعادل اقتصادی و صرف عایدات اسامیری مملکت از عمل صادرات تجاری در غیر مایحتاج ضروری مملکتی تا حدی کمتر شده. بعضی از نمایندگان - مقدمه را بنی خواهند قرائت بفرمایند. و بواسطه اجرای اعمال و تکمیل تقاضای قانون ضروری امید است بین این اختلاف مرتفع شود و از طرف دیگر منیفه افراد از حیث تحمیل اسامیر زیاد شده پس از تخصیص اسامیر حاصله از صادرات حاجتی به مقید ساختن اسامیر حاصله از منساج دیگر دیده نمی شود لهذا دولت صلاح را در تقدیر قانون اسامیر مصوب ۶ اسفند ماه ۱۳۰۸ دانسته و بواسطه لایحه فطلی که باید در فوریت تقدیم میشود میخواهد خرید و فروش اسامیر نوع اخیر را آزاد نماید

۴ - صدور فقره مسکوک با شمس مکر با اجازه دولت  
تیسره - هر مسافر تا بیست تومان حق صادر کردن  
فقره مسکوک خواهد داشت  
ماده چهارم - متخللین از ماده ۳ و مقرراتی که دولت بموجب ماده ۱۶ وضع نماید بجرم و شراکه و معاونین بطور تعاضلی معادل دو برابر مبلغی که موضوع عمل یا معامله ممنوع بوده بنادیه جزییه محکوم خواهند شد  
این امر مانع نخواهد بود که اگر عمل یا معامله مشمول قوانین جزائی دیگر بشود علاوه بر محکومیت فوق متخلف مجازات های مبین در آن قوانین نیز محکوم گردد  
تیسره - بکشتن تخلفات از این قانون سزای فرد از جرائم مأخوذه برداشته خواهد شد  
ماده پنجم - قانون تقنینی اسامیر مصوب ۶ اسفند ماه ۱۳۰۸ و قانون متمم آن مصوب ۳۱ تیر ۱۳۰۹ نسخ و این قانون از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذارده میشود

رئیس - فوریت مطرح است. آقای دیبا  
روحی - کسی مخالف نیست  
دشتی - بگزارید صحبت بشود  
علیا طالبی دیبا - بنده با فوریت این لایحه مخالف نیازی  
مهمترین بود او ایچی که اهمیت داشت دولت را باقیالیا میاوردند  
و در فراکتیون مذاکره میشود و بهماز مذاکرات زیادی تصدیق گرفته میشود انوقت می آمد در مجلس عالی آقای وزیر مالیه این لایحه را در یکجوهی بمجلس آوردند که تقریباً وقت جلسه خبلی کم است. اگر چه یکی در ساعت در اطراف این لایحه مذاکره شد ولی بنده حقیقتاً در قسمت خود منور متقاعد بشدم و واقع بنده ام اگر مقصودی اندارد آقای وزیر مالیه از این لایحه صرف نظر کنند از فوریتش و برود در کمیسیون تدابیرا درش مذاکره بشود و اگر منظوری هم دارند آن را علناً بفرمایند که ما هم بنده هم و رأی بدیم والا این لایحه را با قید فوریت بدون اینکه آقایان نمایندگان سابقه داشته باشند بنده مخالفان باوریتش اولیر عدلیه (آقای داور) - عرض کنم از طرف

بماندند مجرم فرمایند شد که بنده انتظار داشتیم چون ما مدتی در این باب در مجلس خصوصی مذاکره کردیم و آقایان هم رأی دادند اند در فراگیران و حالا هم باز البته هر طوری که آقایان رأی بدهند صحیح است

**رئیس -** آقایانیکه با فوریت لایحه موافقت قیام فرمایند (اکثر بر خاستند)

**رئیس -** صوبی شد. فوریت فانی مطرح است مخالفی ندارد موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** صوبی شد. مذاکره در کلیات است. آقای دشتی **دشتی -** (در جای خود) عرض کنم **رئیس -** آقای دشتی اینجا بیایدند توی تریبون در تکلفند **دشتی -** بلند صحبت میکنم **رئیس -** مهلدا

**دشتی -** (در محل نامی) بنده خصوصاً از آقای وزیر عدلیه خواهش میکنم که بداند نظر من بنده از صحبت کردن حقیقتاً حل مسئله است تا اینکه یک مأمور باشد و یک جوابی هم داده شود و متأسفانه این را که بنده عرض میکنم برای این است که غالباً سؤال و جواب ما اینطوری شد موثقی که بنده خبر این لایحه را شنیدم بادم آمد بیک قصه خبیل محتملی که گفتند یک باخورد شیمه با یک باخورد سنی در سر خلافت صحبت میکردند اخوند شیمه گفت (ضرب زید عمرو) گفت خوب. ضرب فعل ماضی نیست؟ گفت چرا گفت زید فاعلش نیست؟ گفت چرا. گفت عمرو؟ فاعل نیست؟ گفت چرا گفت پس علی خلیفه بلا فاعل است (خنده مینماید آن) بعضی اوقات استدلالانی که دولت در مقابل و کلاه میکند حقیقتاً غیرمتعارف است عرض کنم که ما اساساً با آزادی اسما مخالف نیستیم ولیکن این جا صحبت عالی که میخواهم بکنم برای نظر حل است که داریم که اینجا مطالب حل شود و آن مأمورانی را که ما در مقابل مردم داریم انجام شود و الا منظور دیگری نداریم عرض کنم لایحه بنظر بنده تقریباً منافی است یعنی کوسه و برش پهن است در ماده اول میگوید که

ترقی اسما خارجی نکرد. دولت نرخ را شش تومان معین کرده بود ولی در خارج و در بازار خود مردم و حتی خود دولت هم میدانستند که نه تومان و ده تومان میفرستند. این خودش نشان میدهد که این رساله بکلی مصنوعی و بی اثر بود و این بنگل فروش کتک بوده در حالی که بوده بی موضوع بوده این یک چیز بی اساسی بوده و بالاخره بقدر سر سوزنی در این مطلب تأثیر ندارد و بعد از اینکه مطالباتی در این قسمت کردند معلوم شد که عدم تعادل صادرات و واردات در درجه اول مؤثر در نرخ نرخ قران و ترقی اسما خارجی است آنوقت مبنی بر این قسمت قانون انحصار تجارت را آوردند به مجلس. حالا قانون انحصار تجارت در میگوید؛ میگوید شما هر قدر که جنس خارج کردید بهمان میزان هم میبایید جنس وارد کنید بهمان اندازه که جواز صدور دارید بهمان اندازه هم بشما جواز ورود داده میشود. در اینصورت قانون کنترل اسما چه فایده دارد؟ خواهند گفت که تأثیرش این است که ممکن است بعضی اشخاص پولشان را بفرستند بخارج و در آنجا نگاه دارند و ببقیده بنده این یک چیز معقول نیست که پول محصولات را بفرستند بخارج و در حقیقت از ثروت مملکت کاسته شود این ثوری و نظر ببقیده بنده غلط است برای اینکه اگر هم فرض کنیم که در تمام مملکت ممکن است در سال یکصد پیدا میشوند که من حیث المجموع ۵۰ لیره صد لیره بخارج بفرستند برای روز بهادی خودشان نگاه دارند این پات این نمیشود که نوازش صادرات و واردات مملکت بهم بخورد و ازین برود این یک استثنائی است و الا معمولاً آن اندازه که جنس صادر میشود و بالطبع تجارت صادر میکنند تجارت هم وارد میکنند یا اسما را و دیگری میفرستند که دیگری وارد کنند پس بنابراین اسماً قانون کنترل اسما ببقیده بنده لزوم ندارد با قانون انحصار تجارت ما دیگر داعی نداریم که قانون کنترل اسما را بیآوریم بنا بر این مقدمه بنده عقیده ام این است که حالا که دولت متوجه شده است که قانون کنترل اسما و عرض کنم که این نرخ های مصنوعی

بیت مگر اینکه شما بکنجانبه که مسافری که از خارجه باین مملکت می آید یا اینکه قبول ها و نمایندگان خارجی که در این مملکت نمانده می شود می آید اینها می توانند یک قدری اسباب در بازار بارورشدن و بالاخره نظر دولت نباید باین قسمت پنجاه یا صد هزار لیره با دویت هزار لیره باشد که در سال وارد مملکت میشود نظر دولت باید روی تجارت باشد والا اینکه امروز بکنفر آمده است صد هزار لیره آورده است و میخواهد بپردونی بازار بفرودند این مملکت نیست. به آقای وزیر عدلیه میفرمایند وقت گذشته است و بنده مختصر کنم بنده هم مختصر میکنم این را خواهش میکنم بکنده بدهند که چرا و برای چه فرخ از ما مطلقاً آزاد نمیکند. برای اینکه وقتی که شما قاضی تجارت دارید و ماموله صادرات وارداتی و سوله آن نامین میشود. شما دیگر اینجا چرا قید میکنید این قسمت را که حتماً باید بدوکت بفرودند. این برای چیست؟ یک نکته دیگر هم آقای بوشهری اصرار میکرد که بنده حالا اینجا عرض میکنم و آن این است که بیگفتند بر فرض اینکه اینکار را میخواهند بکنند پای دولت را از بین بردارند و این را بدست بانک بگذرانند. بکنند که می آید آن نام اندازه که بنده فهمید دو قسمت بود که هر دو قسم هم برای دولت ضرر دارد. هم برای مردم برای دولت از جهت ضرر دارد که هر روز بانک یک اغراض بدوکت میدهد که من لیره را در هشت تومان و هشت قران خریدم و هشت تومان شش قران فروخته ام و ده هزار در قران بماند ضرر خورد است این را بگذارید بحساب دولت. یکی دیگر اینکه اسباب زحمت مردم میشود باین جهت که یک کسی باید بیرون رود پنجاه هزار لیره از بانک بگیرد باید بیرون و وزارت مالیه اینجا برود چای دیگر و بالاخره سرو کار مردم باین روشهای دولتی می افتد و بالاخره مردم را مستأصل میکنند و یک راه استفاده نامشروعی باز میشود از برای ما مورین دولت و بالاخره اگر دولت اهمیت بدهد که حتماً این اسباب خارجی بدوکت فروخته

بکند حالا هم در نظر دارد مطلقاً ولی (گورنور) آن را و میخواهد نقره قرار بدهد در اینصورت نقره یک فلز کمی قیمت داشته است چه ضرر دارد وارد شود بلکه در اینجا نقش بزرگ شاست که در لایحه شما نوشته اید نقره وارد نشود مگر بشکل زرگری اگر بشکل زرگری وارد شود بقیمت صنعتش بشما خواهد داد و اگر هم بشکل شمش وارد شود این خودش بکنوع مبادله است این را به بنده توضیح بدهید آخر این که نمیشود که هم ورودش ممنوع باشد و هم خروجش بالاخره یکی از اینها باشد باوروش خوب باشد خرجش بد یا خروجش خوب باشد ورودش بد این میشود که هم ورودش بد باشد و هم خروجش بد و هر دو عیب... بنده خیل متشکر از نماینده محترم که نظر به تقاضای بنده خلاصه صحبت کردند و آن تقاضی را هم که ایراد کردند بطرز ضمنی و استدلالات دولت را از برایش با تشییس و مثنی قائل شدند و فرمودند حرفی نپذیرم و البته همین است این حرفها بنده بر کردارم ولی اکثریت مجلس شورای ملی با مجال حرفهای دولت را روم مرتبه منطقی دانسته و در اطرائش موافقت کردند. حالا اگر چنانچه مخالف بود باید چه عرض کنیم. بمرورم در سر موضوع که فرمودید خوب است در این جا دلالتش را روشن کنند که آزاد است که آزاد نیست بنده عرض میکنم که معامله و نرخ اسباب بوجوب این لایحه امر آقایان رأی بدهند همین اساساً آزاد است ولیکن راجع بشمعهایی که اشخاصی که جنس صادر کرده اند در این مورد بخصوس معامله اینها را دولت قرار گذاشته است که از یک مجاری خصوصی بشود برای اینکه بتوانیم آن کنتزلی که آقا بهش قائل میشوند و بعد درش صحبت خواهم کرد آقا میفرمایند اینطور ممکن است که خریدار بکنتر باشد و بالاخره نرخ هم آزاد باشد اولاً در نزد کانی ملاحظه کرده اند که دولت بقی خزانه نمی آید اینجا یک کیشه هانی همین کند و آنوقت خودش بخرد بالاخره به یک بانکهای اجازه میدهد مثل اینکه تا بجای هم اجازه

داده است البته خرید روی عرضه و تقاضا می رود اگر فروخت و میخواهم اعمال گذشته قاضی را یک کاری کنیم که تعقیب شده باشد و بکنند اگر بر فرض آمدن و بانک تقاضا بفرشود صادر کنند و وارد کنند با هم بمانی او خواهد رفت در آنجا او هم خواهد فروخت آنوقت نتیجه عمل این خواهد شد که بانک از آن عمل بانکی که میکند از آن منعمت خودش باز میماند بنا بر این اطمینان قطعی میتوان داشت که بانک وقتی که میخواهد بخرد (که نماینده دولت است در این کار) حساب این کار را میکند که این قیمتی که بهش بگویند و بفرشود با آن قیمت خواهد بود که امروز مطابق این نرخ بهش بفرشود چون تجربه کرده ام وقتی که یک کاری آمد و آن نرخ برخلاف حقیقت خلواتی که از برای خودش جایز کند خریدار ممکن است و منتظر بماند که فروخته پیدا خود پس بر این بنده ایما جای نگرانی نمیتوانم از برای این و در عین اینکه بانک با بانکهای که از طرف دولت کار میکنند و نماینده دولت خواهد بود اطمینان میدهم که قطع داشته باشید که قیمتی را امین نخواهد کرد که بآن قیمت کسی بخرد لابد بقیمتی خواهد خرید که بتواند بآن قیمت بورد کند فرزند خواهد کرد وارد کنند و واقماً خریدار است و احتیاج دارد یک قیمتی که بانک بگیرد همان قیمت میخرد بانک هم همان قیمت خواهد خرید چرا برای اینکه اگر اینجا بانک بیاید و از شما که وارد کنند. حقیقت نخرد همین شخص صادر کنند در خارج این کار را میکند و با تعهد کنند دیگری معامله میکند دیگر اینکه خبر وارد کنند احتیاج ندارد و باین دلیل است که بانک نرخ را باید بیازورد حقیقتاً در خارج هم نمیتواند آن را بفرشود پس بانک مجبور است بانکی که نماینده دولت است مجبور است که حساب فرخ بازار را درست کند (دقتی - بازاری نیست) میفرماید بازار نیست بنده شما بازار را نشان میدهم (دقتی - بازار مشروع نیست) همان بازار مشروع را برای

اینکه ما بطوریکه قبلاً هم در فراکسیون ما هم مذاکره کردیم مسائل اسماری و عیادت اسماری و منجر این بیست که از راه صادرات آن چیزی که در حدود صد همتا بنده باز عرض میکنم و تکرار میکنم که صادرات را در سرحد قیمت میبکنند يك میزان هفتی که تا سرحد تمام شده است البته تاجرش که این مال را و میرد بخارج در نقاط دیگر میفرودد برای هفتت این کار را میگذرد اگر بنا باشد ضرر کند که این کار را نخواهد کرد پس همیشه يك فاصله يك حاشیه بین آن قیمت سرحد با قیمتی که واقفاً در خارج پیدا کرده است در جنس پیدا میشود و يك میزان اسماری بیشتر بدست ماورد اگر شما فرض فرمائید در عالی فرس (اگر آقایان کوشی بدهند که بعد در مریه همین مسائل از سر گرفته شود) فرض فرمائید که قیمت جنس را در اینجا که همین کرده مثلا صد لیره حساب کرد است و پنج درصد بخواد قهه بپردد باطلیبه اینجا اضافه بدست خواهد آمد و این را در خصوص تمام صادرات ملکی حساب کنید البته این يك مبلغ قابل ملاحظه خواهد بود پس این يك مبلغی است که از ازیب بطور تمام تمام است یعنی هم واسطه اش را ما ازاد گذاشته ایم که در بازار بفرورشد بدلا بفرورشد با بیابک بفرورشد بفرس که بخواد بفرورشد این خودوش يك مبلغ قابل اعتنایی است همین بطور اشخاصی که در خارج از برایشان يك حادونی يك نمایندگی میرسد ولو اینکه مبلغی قابل ملاحظه نباشد ولی اینها باید موقع حساب حساب شود

همین بطور يك تاجر بخواند و شرکنهای که مجبورند از خارج يك پولهای را بیاورند و خرج کنند آنها را هم اگر حساب کنید پس يك مبلغی اسماری پیدا میشود که این اسمار در بازار ازادانه فروخته میشود و يك ترقی هم که ازادانه روی عرشه و تقاضات بازار علنی دارد نه بازار قاچاق بازار علنی بازار بیست که ترش را هر کس بتواند تخفیف کند وقتی که اینطور شد بايك هم میبواند تخفیف کند و وظفته را در نظر بگیرد مثل اینکه تا بحال تجربه

و انوقت قانون انحصار تجارت را هم باید بنهائیم دور برای اینکه مسائل اقتصادی است هر چه میخوانند صادر کنند و هر چه میخوانند وارد کنند و بنشینیم نگاه کنیم و بگوئیم خدا بزرگ است در مسئله که آخر فرمودند که اگر دولت این عقیده را داشته باشد و این کار را بخواهد بهمین ترتیبی که نوشته شده است انجام بدهند یعنی نهضات صادر کننده باقی بماندند بدون اینکه بتوانیم نهضات زیادی بدیم تصور میکنم مقهور آنگاه عمل این باشد عرض میکنم خودوش که نیروی البته برای اینکه جلو گیری از ضرر دولت بکنند يك روزی بايك میباید بخرد البته اینها را يك فکری برایش خواهد کرد که دولت در اینجا يك نهضتی را پیدا کند واسطه عملش است فقط تقشش کرده است و البته سکنه را که فرمودند قابل ملاحظه است و کسان نمیکنم جای سگری را هم باشد و يك چیز دیگر فرمودید که بوارده کنند چون نوشته اند که در حرج اول عیادت حاصله از صادرات بوارده کنند ها داده میشود بوزاین بود که نوشته شود بوارده کنند ها جواز ورود داده شود همینطور هم خواهد بود این هم همین است حالا هم همینطور است به اینکه اجازه های خصوصی باشد در تحت يك قواعد و نظامی باید همین شود که کسانی که جواز دارند به تقشش رجوع میکنند که آنها اسمار فروخته شود در خارج به قسمت نقره که شاکار نطق و صحبت آقا بود از آن قسمت اخیرش را گرفتند که بکمره نقره را جلوش را باز گذارند و بکمره ولی کردید حالا دو مریه آمده اند از دو طرف جلوش را گرفته اند و نیکدارید بیاید . ما پانصد که احتیاج داریم حساب میکنیم يك روز احتیاج پیدا شد که قیمت نقره فرضاً بايك و زمین در آید که ما بهتر دانسیم که امروز باید بر ذخیره نقره مان ببنزاییم يك روزی دیدیم که خبر حالا صلحت نیست جلوش را هم بگیریم و برای همین است که دولت این اجازه را گرفته است که هر روز دولت نیاید به مجلس و آقا هم قشبه را دست بپندارند .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

ولیس - آقا اینک با ورود در شور مواد موافقت قیام فرمائید

(اکثر قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد . ماده اول قرائت میشود . ماده اول - از تاریخ اجرای این قانون معامله و نرخ اسمار خارجی ازاد است ولی دولت میتواند در موقع ضرورت برای تقشش و تعیین نرخ اسمار مزبور مقرراتی را که لازم بداند برقرار نماید . (در ایندو موقع بعضی از نمایندگان از مجلس خارج میشدند) ولیس - آقایان تأمل کنند . اگر وقتاً اینها را بیرون برون کرد تمام میشود مجلس از اکثریت خارج میشود و ناچارم جلسه را ختم کنیم بنابراین آقایان این قسمت را رعایت بفرمائید . آقای قهیچی .

قهیچی - البته آقایان هیئت دولت که این لایحه را به مجلس می آورند مدتی تحت مطالعه قرار داده اند و اطراف مذاکرات و نکات را که در لایحه ذکر شده است ملاحظه فرمودند البته بنابر این اگر از طرف آقایان نمایندگان فقط دو سه ساعت بیشتر نیست این لایحه را دیده اند يك مذاکره ای میشود برای کشف و طلب است بطوریکه اینجا مگر مذاکره شد در این لایحه يك قسمتهائی بنظر متناقض میآید مثلاً در مقدمه يك جا ذکر میکنند که بواسطه جهودی و ضحبت تجارت مثلاً اسمار که برای قیمت واردات لازم میشود خیلی بهتر شده است بعد در ذیل همان مطلب ذکر میشود تهیه اسمار برای غیر تجارت خیلی مشکل شده است در صورتیکه اسمار در هر صورت نوازین صادر وارد باید پیدا کنند همینطور در ماده اول در قسمت اول ماده اسمار را ازاد میکند و در قسمت آخر مقدمه میکند پس در حقیقت این قید قانونی برداشته شده است و باختیار دولت گذاشته شده است و صورت الزامی ندارد در ماده آخر هم صکه تمهات اسماری را کافی السابق باقی میکذارند اگر واقفاً صادرات بقدری زیاد شده است که اسمار کفایت میکند از برای تجارت ورودی پس دیگر این قیود برای چیست ؟ آقایان این در چراغ

ملاحظه فرموده اند که میزنویسند در این چند ماه هفت تا مایون بر صادرات ما در بازار اضافه شده اگر حقیقت دارد این مبلغ باید با پول نقد یا اسعار خارجی در ملکیت موجود باشد و اگر حقیقت ده مایون اسعار علاوه بر واردات در ملکیت وجود دارد باید بکلی آزاد گذاشت که هر کسی میخواهد بخرد بخرد اما کجاست این اسعار این هارا تصدیق فرمایید که صوری است و حقیقت ندارد مطلب این است که يك اشخاصی برای اینکه جواز ورود بتوانند بگیرند يك اجناسی را قیمتهای گزافی مینویسند يك تصدیق صدوری بگیرند که اول تصدیق صدور را در بازار بپوشند بعد آن اشخاصی همفکرند که تصدیق صدور در ششماه است آنرا در بورس سیاه تعدیل میکنند و میفرشند آفوق غالب اینها اجناس را باسم صادرات مینویسند ولی در مقابل نمی آورند و نمی آید و اگر يك قسمت از اینها را محدود میکردند باینکه تصدیق ورود بملکیت خارج را بیاورند نشان بدهند آفوق معلوم میشد که اینها هست یا نه پس حالا در این قانون چه چیزی خواهد شد آن آید ولی از بین میروند یعنی دیگر مجبور نخواهد بود که بیاید و دولت صادراتی بیاورد ولو اینکه صوری باشد بیاورند نشان دهند و مستقیماً میروند از بورس میروند بگیرند مخصوصاً مؤسسات خارجی فوق‌العاده از این استفاده خواهند کرد وقتی آزاد شد هر کسی میتواند بفرشد و اینها هم میتواند برون بگیرند بنده آنچه مشاهده کردم ملاحظه کردم بنظر بنده هنوز بکفایتی زود است که اسعار را این ترتیب آزاد کنیم بلکه باید مقید کنیم که کلاً صادر کنندگان اسعارشان را بدوخت بفرشند و بداند اگر لازم دارند برون بخرند آفوق معلوم می شد که این قانونی را که میگویند حقیقت است یا نه ؟ فقط با نمودار داشتن یک تصدیق صدور از هشت مایون که سابقاً است ممکن است به هفتاد مایون هم برسد این را هم اینجا عرض کنم که از حیث اسعار فوق‌العاده دولت در مذهب هم اقتد میزان صادرات را هم که الان صوری

بیاورند نشان میدهند و نهاده میکنند اوقت فوق‌العاده کم خواهد شد بواسطه اینکه دیگر مقید نیستند بان بپوشد که بودتا بر این لازم بود که دولت اسعار را کنترل میکرد که بجای نهاد بیاورند اسعار را بفرشند باینکه با بعد در مقابلش اگر فروخته باشند اسعار خارجی بیاورند و الا غیر از این باشد خوب امید دید که در مدت یکی دیگر اسعار پیدا نخواهد شد این اسعار را میگیرند و میزان صادرات هم فوق‌العاده کسر خواهد کرد با وجود این عرض کردم چون ما در سه سال است در این قسمت مذاکره میکنیم با اینها را در نظر گرفته‌ایم آیا همینطور است که در این چند ماه ده مایون صادرات اضافه شده است بر واردات این را حقیقت بدهید اگر اینطور شود الان پول در این بازارها باید بعد کلیات باشد و ما هر کسی را می بینیم از بی پولی فریاد مینویسند و ناچارند خیلی بفرشند برای اینکه تصدیق صدور بگیرند و يك قیمتهای گزافی گزافی برایش میگذارند حالا این ملاحظاتی را باید آقایان بکنند که حالا میخواهد آزاد بگذارند بعد از يك مدت خیلی کسی مجبور نشودیم که يك لایحه هم برای صادراتمان بگذاریم **فکر می‌کنم** - اگر این قانون خیلی مشکل غاضب بود ممکن بود که چندین جلسه در کمیته‌ها و جلسهای خصوصی و عمومی در اطرافش بحث شود ما که تقاضای فوریت کردیم نه تنها برای این بود که زود از این مجلس بگذرانیم ولی ما که این تقاضا را کردیم این بود که زودتر در مردم از این مذهب آسوده شوند بلکه بفرشند بنده است که اگر عرض کنم بدیهی است نزدیک به بدهات است و دلایل را هم عرض میکنم حالا این را وقتی میخواهم تطبیق کنیم اینطور باید تطبیق کنیم که اوضاع چه است و بواسطه این قانون چه سورتی پیدا میشود و چه اشکالات است که قسمت بزمان سابق بیشتر میشود اگر یکی میتوانست از آقایان بگوید که يك اشکال جدیدی پیدا میشود ما که از سر تا پا سهولت میخواهیم در بازار پیدا شود و برای در دوش کسی نمیکاریم بقدر عرفی در این قانون چیزی نیست که این اشکال تولید کند میفرمایند

اشخاصی که صادر میکردند اینرا بنده درست ملتفت نشدم اینها تصدیق صدور میکردند مبرفتند از بورس سیاه اسعار میبخرند ؟ چه احتیاجی باین کار دارند ؟ هیچکس در این مملکت این کار را نمیکرد. تصدیق صدور اگر در دستش باشد میبرد از بورس سیاه رسمی میگیرد چرا دیگر برود از بازار سیاه و بورس سیاه با نرخ غیر رسمی و از راه قاچاق و نامرغ و بخرند. اینجا چیزی نیست که ما حتی کنیم ما اگر قانون اسعار را اینجا با کمال شدت بطوریکه لازم بوده است میخواستیم اجرا کنیم که هیچ نفر و منفذی در او پیدا نشود باید البته قبل بیشتر از این شغلی که تا حالا اجرا میشده است اجرا کنیم و البته بایشی متوسل میشدیم بخواه نظمی و قوا امین و قوا معتدلی در او پیدا نشود بفرستید در اطراف و آنکه بازار و آفوق مردم زحمتشان خیلی بیشتر و چند مرتبه بیشتر از حالا است از طرف هم بنده تصدیق ندارم که دولت بایشی بکلی ول میکرد و مساعه می کرد و چشم میبوشید که بجای رسد که تمام اسعار این مملکت غیر صادراتی و بطور عامه فروخته شود و فقط بعضی اسعار محدودی در بانک ها فروخته شود اما این اوضاع فراهم شده و درست شده است و حالا ما احتیاجی بآن نداریم که حکمت بوضع آن قانون تقشیر اسعار بآن سخت اقتضا میکردند نادریم. برای اینکه منظور همان چه است منظور همان این است که آن حالی که از این مملکت خارج می شود بنده مخصوصاً این را میخواهم اینجا عرض کنم برای اینکه بعضی اوقات دیده شده است یعنی از طرفی دولت بظهور ما شنیده ایم که میگویند اگر مملکت صادرات داشته باشد بهتر است یعنی هر چه بیرون برود یعنی ظاهر آن اینطور بنظر میرسد ولی این مطلب بایشی واضح است درود البته چرا نمی نویسند و مکرر هم گفته میشود ولی اگر درست نگاه کنید آنچه که از مملکت مورد ضرر شمسات آنچه که داخل میشود بقیع شمسات. خلاصه اگر در يك خانه مال شما يك اطاق داشته باشید و

میلی در آنجا باشد یکی را که بیرون بدهد البته کم میشود و اگر یکی وارد کنید زیاد میشود پس این نباید در اذهان نقش بدهد که صادرات خیلی خوب است و واردات خیلی بد است این درست تقشیر هم است یعنی صادرات خیلی بد است و واردات خیلی خوب است اما که میگویند صادرات خوب است مقصود آن صادراتی است که واردات بیاورد. و کجاست صادرات خوب است برای اینکه بیرون بفرشند آفوق با پولش را بیاورند بملکیت با اسعار علاوه بر واردات بملکیت آنچه دارد قابل داره بنده دارد بیرون بفرشند مقابل اجناسی طرف احتیاج مملکت را بیاورد. پس منظور عده ما این بود که آنچه از این مملکت بیرون میرود آن را وقتی که پول نقد کنند با فروختند یا تبدیل کنند آن را در آنجا بگذارند و وسائل و کارهای دیگر بزنند تماماً با عوضی چیزی بخرند و باین مملکت بیاورند یا خود پول و اسعارش را بیاورند و مرتبه باین مملکت آن را بفرشند بدیگری که آهم در باره چیز بخرند و بیاورد و بخران ببقند ولی غیر از این صادرات معنی ندارد اما وقتی که این کار مطمئن شد و ترتیب این عمل بطور لازم داده شد یعنی وقتی که شما شرط کردید که هر کسی مال از این مملکت میبرد باید نهاد اسعاری بکند از آن طرف هم میگوید با اسعارش را باید بدهد بآن کسی که مال میخواهد بیاورد یا خودش باید عوض آن مال بیاورد خوب وقتی اینکار تمام شد و این کار تمام اسعار با حل کرد این چنانگه میشود که تقشیر اسعار باقی است دیگر تقشیر و کنترل اسعار در حالا ما میخواهیم باطل کنیم. قانونی انحصار تجارت را باطل نمی‌کنیم که نمیتوانیم. قانون انحصار تجارت ملغی میشود. غیر آقایان کسیکه باید بفرشند یعنی تمهیدات ناشی از صادرات تجارتی و آن اسعاری که تمهید کرده است آن اسعار را باید بفرشند تماماً آن را باید بورد کندند با يك کسی بدهد که آن کسی دولت است که آنها را بگیرد و دست زود و حق دست زدن هم نباید داشته باشد قویاً باید حقه تکرائی نباید داشته باشد دولت هم باید دینار بدهد حق داشته باشد از

اسمار صادراتی را برای ضروری ترین مصارف خودش یا غیر خودش مصرف کند برای اینکه واردات این ملک چشمش بزرگتر از صادراتش نشود و در مسائل صادرات چیزهای ضروری لازم برای این ملک وارد شود و نتواند حاصل شود حالا این را در مقابل آن می گذرانیم منتهی يك فايده ديگر بناچار مبرسد كه از اين بدهد ناچار مجبور ميشود بيايد كه بفرشد براي دولت بخرش رسمي كه ماضع كرده بوديم و بقرول مبرود حقيقت خارجي نداشته است حالا ما ميگوئيم بهر قبوت كه در بازار است معامله شود گفته ميشود كه وقتی خريدار منحصر شد، اينطور ليست حالا باز كرايز ميگنم اين ملكت صادراتي دارد كه در مقابلش بايد نهاد اسمازي بدهند و اين اجناس صادره در بندر قيمت ميشود و از همان رو نهاد اسمازيش گرفته ميشود حالا اين را ميبندد و در خارج مي فروشد با يك منفعتي (كز اتفاق مي افتد كه ضرر بسكندت غالباً نفع ميبندد) و اين منفعت را هر قدر هم اگر كم بگيرد سديه هم اگر بگيرد ممكن است ده بيست ميليون ليره صادرات داشته باشيم كه در مقابل اين لافلاف يك ميليون نفع دارد و يك ميليون ليره مي آيد بپورادرات و كشتنرول آنها مشكل است براي اينكه آنچه را كه منفعت مي كندند از تفاوت قيمت بندر و قيمت فروش در خارج است كه آن آزاد است و بهر كس و هر قيمت دلش مي خواهد مي فروشد پس ما مي خواهيم اسمازي كه غير از مجري صادرات تجارتي حاصل ميشود او را آزاد بسكنيم معامله ات را هم آزاد كنيم ترش را هم آزاد كنيم اسماز حاصله از صادرات تجارتي را هم ترش را آزاد كنيم قطعا بايد قيد كنيم كه اوبابدهد بديك كسي كه مال وارد كند چون ما مطمئن نديسيم كه بمال وارد كندده ميبدهد با نميدهد اين است كه ميگوئيم با خودش وارد كند با اينكه اسمازي را بدهد تا ما با آن كسي بدهيم كه اين واردات را مي آورد و چشمي وارد ميكند. اين صورتهائي بود كه كار پيدا ميكرد حالا اگر يك ايراد هائي است كه مثلاً يك باري روي ببار

مقام منبع رياست دامت عظمته

پيشنهاد ميكنم ماده اول در موقع رأي تجزيه شود اينطور كه ماده اول تا كالمه (ولي) يك ممبره تيراى كرتنه و از عبارت (ولي) تا آخر ماده يك مرتبه.

رئيس - آقاى امين التجار هم يك پيشنهادي كرده اند آرا هم ميشوئيم:

مقام منبع رياست مجلس شوراي ملي.

بند ماده اول را بطريق ذيل پيشنهاد مينمايم: از تاريخ تصويب اين قانون معامله و فرخ اسماز خارجي آزاد است ولي دولت مكلف است در صورت ضرورت مقررات لازمه را جمع به تفقيش و فرخ اسماز به مجلس شوراي ملي پيشنهاد نمايد. حاج ميرزا حبيب الله امين رئيس - پيشنهادي هم از آقاى مؤيد احمدى رسيده است فرات ميشود:

پيشنهاد آقاى مؤيد احمدى

بند پيشنهاد ميكنم از ماده اول از جمله ولي دولت ميتواند در موقع ضرورت الى آخر ماده حذف شود.

رئيس - پيشنهاد آقاى طهرانچي هم فرات ميشود.

پيشنهاد آقاى طهرانچي

مقام منبع رياست مجلس شوراي ملي دامت شوكنه اين جانب پيشنهاد مينمايم قسمت اخير ماده اول از جمله ولي دولت ميتواند تا آخر حذف شود

رئيس - هر چهار پيشنهاد از حيث مفاد مساوي است و جمله آخر ماده اول را زائد ميدانند و تقاضاي حذف مي كنند

امين (حاج ميرزا حبيب الله) - بنده تقاضاي تبديل كردم آقاى

وزير عدليه - ما بايد باش موافقت مي كنيم اگر ساير آقاها هم موافقت بفرمايند و معلومه با سبكتند بدين اندازه وقت هم تنگ است فرقي هم ندارد قانوني هم كه آورده شده البته باز بسته است بنظر اكثر بندگان مجلس شوراي ملي ولي آن فورمولي كه آقاى امين التجار پيشنهاد

كرده اند اگر موافقت بفرمايند گمان ميكنم بلكي رفع اشكال شود.

حاج ميرزا حبيب الله امين - در قانون نوشته اند پس از تاريخ اجرائي اين قانون بنده نوشتم از تاريخ تصويب اين قانون براي اينكه از تاريخ اجرا مقبده بنده چندند معني ندارد

وزير عدليه - اينجا نوشته شده است پس از اجرا و البته اجراء قانون پس از تصويب آن است و فرقي نمي كند ولي ممكن است كه ما اصلاح كنيم و بنويسيم از تاريخ تصويب بوقوع اجرا گذاشته ميشود

رئيس - آقاى طاهري موافقتيد؟

دكتور طاهري - بله

رئيس - آقاى طهرانچي چطور؟

طهرانچي - موافقم

رئيس - آقاى مؤيد احمدى

مؤيد احمدى - بنده عرض دارم - مطابق قانون اصول مشروطيت تعميل برادر نيست و خوشبينخانه مجلس شوراي ملي امروزه فرقي ندارد و هميشه دولت مي تواند لامحه كه لازم دارد بياورد عرض كنم كه بنده كه پيشنهاد حذف اين جمله اخير را كرده نظر اين بود كه چون مي بينم بجهت اين اصل اصلي از قانون اساسي تحت توجهات اعليحضرت همايوني چند دوره است كه اجرا شده است يعني اساس مشروطيت تعميل برادر نيست (صحیح است) و مسا آن يك قرت هائي داشتهيم در دوره هائي سابق بوده است كه بين هر مجلسي سه سال چهارسال فاصله ميشد لكن حالا الحمدلله اين فترتها را ما ديگر نداريم (صحیح است) و اين عبارت ياد من آورد قوايبي را كه در مجلس سوم تصويب ميشد. كه اين عبارت را ميگذاشتند توي آن براي اينكه ميگفتند يك فاصله هائي اتفاق مي افتد بين مجلسي اما حالا بنده عرض ميكنم مجلس شوراي ملي هميشه باز و دائر است هر وقت يك مقراري را لازم داريم كه وضع شود بياورد بجهت تصويب ميكند تقير ميبدهد پس چرا ما يك اختياري بدهيم



بدولت که يك مقرراتی هر چه و هر جور دلت میخواست  
 وضع کند آقوت بدر از همه متوجه ماده سوم بشود  
 که ما مجازات همین بکنیم برای بانککاری که هنوز نمیدانیم  
 چیست بنده عبارت ماده سوم را میخوانم ملاحظه فرمائید  
 چون مقررات که معلوم نیست اجازه میدهد که دولت  
 يك مقرراتی وضع کند و در ماده چهارم بنویسیم  
 (متخلّف از ماده ۲ و مقرراتی که دولت بوجب ماده  
 يك وضع نماید مجرم و شرکاء و معاونین الی آخر) در  
 حالتی که ما نمیتوانیم دولت چه چیز وضع میکند آقوت  
 برایش مجرم حساب بداریم این بنظر بنده چیز خوبی نیست  
 از این جهت بنده پیشنهاد کردم که املا این جمله حذف  
 شود و هر وقت دولت هر مقرراتی لازم داشت پیشنهاد  
 کند به مجلس و مجلس شور میکند تصویب میکند.

**وزیر عدلیه** - بنده تصور نمیکنم این جمله خیلی  
 عمل میباشد واقع میشود. ما اینجا عوض اینکه حذف  
 کنیم نوبت آنکه اگر دولت لازم دانست مکلف است در صورت  
 ضرورت به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند یعنی دولت  
 اگر لازم دید مقرراتی جدیداً وضع کند باید به مجلس  
 پیشنهاد کند و با این اصلاح و این ترتیب گمان میکنم  
 رفع اشکال آقا بشود و آن قسمتی هم که در پیشنهاد آقای  
 امین التجار هست بنده گمان میکنم از تاریخ اجراء بهتر  
 است برای اینکه در آخر ماده پنجم نوشته شده از تاریخ  
 تصویب بوقوع اجراء گذارده میشود و در این ماده اول  
 مناسب تر این است نوشته شود از تاریخ اجراء تا آن  
 ماده پنجم متناسب باشد و البته این تغییر می که در  
 ماده اول قنون پیدا میشود در ماده چهارم هم باید  
 تغییر داده شود که آن مقرراتی را که دولت وضع میکند  
 باید به مجلس بیارود.

**مؤید احمدی** - عرض میکنم که در صورتیکه ماده  
 چهارم را هم همینطور که فرمودند اصلاح کنند بنده  
 پیشنهاد آقای امین موافقت میکنم  
**وزیر عدلیه** - بل بل  
**مؤید احمدی** - بسیار خوب

**رئیس** - خوب توافقی پیدا شد. پیشنهاد آقای حاجی  
 امین التجار با اصلاح کلمه پس از اجراء آقابلی که با  
 ماده هوشمی که اصلاح شد موافقت دارند قیام فرمائید  
 (اکثر بر خاستند)

**رئیس** - تصویب شد. بنده يك مطلبی را فراموش کردم  
 حالا یاد آوری میکنم ما باده رأی گرفتیم در حالتی که  
 بعضی از پیشنهادها را قرائت نکردیم (ناسری - سزود  
 میذاریم آقا) بکشیم را آقای وهاب زاده و بکشیم را  
 آقای کازرونی پیشنهاد کرده بودند ولی مال آقای کازرونی  
 تقریباً همین و اصلاح شده اما آقای وهاب زاده ممکن  
 است این را در ماده دیگر پیشنهاد فرمائید (صحیح است)

ماده دوم قرائت میشود:

الزامات اسامی صادر کنندگان بطوریکه  
 در ماده ۱۳ منضم قنون انحصار تجارت خارجی مصوب  
 ۲۰ اسفند ۱۳۰۹ مقررات کماکان باقی بوده و اسامی  
 حاصله از این طریق را دولت در حساب مخصوص نگاهداند  
 و در مرحله اول بدارندگان جواز های ورودی که با اعتبار  
 تصدیق نامه های صدور تصدیق شده است و برای تعیین  
 ناهای مزبور تسهیل اسامی اخذ شده باشد تخصیص  
 خواهد داد

**رئیس** - آقای کازرونی

**کازرونی** - بنده مخالفتی ندارم آقای وزیر هم مکرر  
 توضیح دادند که در خصوص نرخ این اسامی که دولت  
 از مردم در مقابل تمهیداتشان میگیرد کاملاً آزاد است و نرخ  
 عادلانه است و همین دلیل بنده يك پیشنهاد داده ام که در  
 ذیل ماده يك تصریح اضافه شود برای اینکه فرداً در موقع  
 اجراء اسباب اختلاف و سوء تمییر نشود البته خودشان  
 هم قبول می کنند.

**وزیر عدلیه** - بصره را که پیشنهاد کرده اند قرائت  
 شود تا به بنیام چیست؟  
**رئیس** - قرائت میشود:

بصره را به ماده دوم پیشنهاد میکنم - اسامی  
 حاصله از الزامات از ماده دوم را از دولت بوسیله بانکهای

بخار بقیمت خرید و فروش عادلانه در بازار خرید و خواهد  
 فروخت.

پس از نماندگان - سزود میدارند.

**کازرونی** - بگذارید توضیح بدهند

**وزیر مالیه** - اینرا پیش تر هم فرمودند عرض کردم  
 این معلوم است و بدیهی است و هیچ فیدی نمیخواهد ما  
 در ماده اول گفتیم که نرخ معامله همه جا آزاد است  
 اینجا هم در معامله نرخ اسامی را آزاد کرده است  
 و البته آن شرحی را که نوشته اید يك ماده از قنون  
 انحصار تجارت است اینهم هست در جای خودش و همین  
 طور که بنده در اینجا تصریح میکنم اسامی در آن  
 کازرونی هم همین قناعت بفرمائید و البته نرخ همان نرخ  
 آزاد است (صحیح است)

چند نفر از نماندگان - سزود داشتند

**کازرونی** - با این توضیحی که دادند بنده مقصودم  
 حاصل و تأمین است استرداد میکنم

**رئیس** - پیشنهاد آقای وهاب زاده:

بنده پیشنهاد میباشم در ماده دوم نوشته شود: منحصراً  
 بدارندگان جواز ورودی فروخته شود  
**وهاب زاده** - بنده در فرا کسیون هم اجازه خواستم  
 متأسفانه به بنده اجازه ندادند در ماده اول هم پیشنهادی  
 داشتم که قرائت میکنم بنظر بنده این بود که در ماده اول  
 نوشته شود که نرخ آزاد باشد ولی معاملات آن مثل سابق  
 ممنوع باشد مگر بوسیله بانکهای مجاز اگر نظر ما این  
 باشد که با قانون انحصار تجارت هیچ اسامی پیدا نمیشود  
 و فقط منحصراً بانکها فروخته خواهند شد و آنها با شاخصیکه  
 جواز ورود دارند فروخته خواهد شد این کافی نیست اشخاص  
 خیلی خواهند که بوند دارند و اگر آن آزاد کنیم خرید و  
 فروش رودند. در بازار بازرگان قطع و یقین خیلی اسامی خارجی  
 از این مملکت خارج خواهد شد البته باغیان انحصار خیلی  
 سکه وارد نمی کند ولی تصدیق بفرمائید اسامی هم که  
 فروخته میشود و بالاخره از این جا صادر میشود این  
 بواردهات مملکت خیلی صدمه می خورد و اسامی از این  
 مملکت خارج میشود قانون تقنینی اسامی خارجی در موقع  
 خودش خیلی خوب بود و امروز هم آنرا بقید بنده خیلی  
 خوب است ولی بشرطی که تقنین اسامی هیچ لایحه بود برای اینکه  
 ثابت کرد عملیاً که وقتی که فتنه بود و خرید و فروش اسامی  
 آزاد بود هر قدر می توانستند اشخاص از این مملکت  
 اسامی خارج می کردند ولی با این ترتیب اگر ما بخواهیم  
 اسامی را آزاد بگذاریم در بازار بکسی از این مملکت  
 اسامی خارج خواهد شد بوقی بنده اسامی فقط بدارندگان  
 آزاد شود در این موضوع هم در اطراف تجارت چندین مرتبه  
 سؤال و جواب و بحث شد فعلاً اسامی تجارت هم موافق  
 بودند با اینکه معقنه اسامی خارجی آزاد بشود ولی اگر  
 اسامی خارجی آزاد باشد و خرید و فروش در بازار باطل  
 بوند مالی در بازار پیدا میشود و بانکهای مجاز هم  
 می خرید و اشخاص هم که جواز ورودی دارند آنها هم  
 می خرید اشخاص هم هستند که بوند مالی دارند و حاضرند  
 معقنه روز در بازار بفرشند ولی سابق با شاخص مقرر  
 میفرخواستند ولی اگر حالا قرار بگذاریم بیابک های مجاز  
 فقط يك بانک که کافی نیست بانکهای دیگر هم مجاز باشند  
 اسامی خارجی را معقنه بازار بخردند میروند آن اسامی  
 که از صادرات حاصل میشود آنها را منحصراً بکسانی  
 که جواز ورودی دارند بفرشند ولی اشخاص خارجی که  
 از آنها میخواهند چنانچه سابقاً هم معمول بوده بنده  
 صد بوند دوست بوند میخواستیم بخرم چوت فتنه بود  
 میرفت بیابک و يك کسی را پیدا میکردم که بوند داشته  
 باشد و باید بیابک آرا بفرشند و بانک را هم مقید میکردم  
 که این بوند را بمن بدهد بانک هم در هر بوندی بکفران  
 دهشاهی شش شاهی تفاوت میکرد و نمیداد ولی اکثر  
 حالا بکلی آزاد کنیم معامله خرید و فروش را در بازار  
 خیلی صدمه بزرگی بمملکت بعقیده بنده دارد ولی آزادی  
 معقنه خیلی فایده ای بیشتر است اولاً اینکه صادر کنندگان  
 سابق معقنه فروش جنس خودشان را از روی جنس صدور

**وهاب زاده** - (پوس آقا) خیر  
**ولیس** - برای اینکه این جا يك اشكالی برای امینش می آید (پوس آقا - چرا ؟) . تا قبل نما میاید آقا . این پیشنهاد شما متناسب با فکر شما نبود زیرا آن را عنوان کردید که حرفتان را بفرماید (پوس آقا - بل) [خنده نمایان گان] حالا بر فرض اینکه بخصوص این پیشنهاد شما برای بکیرم شما چه استفاده خواهد برد ؟ (صحیح است)

**پوس آقا وهاب زاده** - بنده در ماه دوم که پیشنهاد کردم و فقط منحصراً را عرض کردم برای این بود که در ماه دوم لایحه مطرح است در مرحله اولی باشخاصی که جواز ورودی دارند یا این توضیحی که آقای وزیر مالیه دادند بنده موافق البته بنده عرض نمیکنم باشخاصی که جواز ورودی دارند و نهاده اسامی نداشته اند یا آنها هم فروخته شود و غیره . البته این اسامی بنده ندارم و همجو پیشنهادی هم نمیکنم فقط باشخاصی داده شود که جواز ورودی داشته باشند و نهادهای خود را از هر حیث کاملاً اجناس داده باشند این پیشنهاد معقول و مفید بنده بود (عراقی) تا کتوبن در پیش نهاد کسی دو مرتبه حرف زده است) حالا اگر آقای وزیر مالیه فرمودند ما عقیده نداریم بنده هم موافق با معقول اینان ولی با این آزادی که شما میدهد چه فایده دارد بعد شما (بعضی از نمایندگان - در پیش نهاد دو مرتبه صحبت نمی شود) اگر امروز يك کسی صد تومان اجناس از این مملکت صادر کند بدون اینکه نموده سودی بدهد (همه معقول نمایندگان - برخلاف نظام نامه است) نهاد اسامی بدهد با اجازه نخواهند داد برای اینکه جنس در مقابل این بنایند با اسامی را را فروخته شد و این ماده آقا اجازه داده میشود هر کسی که هر قدر دلش می خواهد جنس وارد کند و این برای مملکت فایده ندارد بنده می خواهم آقایان در این موضوع توضیح بدهند .

**وزیر عدلیه** - مطالبی که آقا فرمودند معنائش این است

معین میکردند و این سکتا صادرات مزید ولی وقتیکه مغننه را آزاد بکنند و خرید و فروش را بکنای مجاز بکنند البته يك خدمت است باسما و صادرات مملکت و هم هیچ بد صدمه برای خروج اسما خارجی نخواهد بود این عقیده بنده است

**وزیر مالیه** - فرمایش ایشان آنچه بنده فهمیدم همان مربوط باین ماده بود . ایشان پیشنهاد کردند که بهر دارنده جواز ورودی فقط این اسما فروخته شود در صورتیکه ما باین عقیده نداریم و عقیده داریم فقط بآن اشخاصی که آن نرخ از جواز ورودی را دارند یعنی آقاهایی که تصدیق صدور گرفته اند و در مقابل نمود اسما و نهادهایشان را با اینچهم داده اند حق استفاده از آن جواز ورودی داشته باشند (پوس آقا - موافقم) بسیار خوب پس این می رود ولی آن قسمت که راجع بماده اول بود و رأی گرفته شد گفته شد آن سهولت و آسودگی که حالا هست دیگر حاصل نمیشود اگر بکنند بفروشد اولاً این که گفته میشود نرخ آزاد است و هر کسی میتواند بجزد نرخ آزاد نیست یعنی خریدار از دست کسی دیگر نمیتواند بجزد که ایشان تکراری دارند آنها میتوانند توی کرچه بی خوشدان نرخ ترتیب بدهند ولی قانون فروش اسما را بفرودک منع میکند ولی اگر اینطور نباشد باز همین اوضاع که نرخ پیدا خواهد شد و باز اشخاصی که در خارج بر خلاف قانون خرید و فروش میکردند شاید خرید و فروش بکنند در صورتیکه پس از این قانون آنوقت اجازه میدهد بکنند مگر در صورتیکه دولت فتیحات شدید در کاربایر و خیل مشکل میشود کاین مراقبت بشود و آنها تا این صورت حاصل بشود درد سر دارد و مشکل می شود البته کارها را از جری بن عادی طبیعی خارج کردن و اسباب درد سر شدن و زحمت مردم شدن ولو در مقابلش نفع کوچکی هم باشد نباید کرد مگر فایده کلی برای مملکت داشته باشد

**ولیس** - آقای وهاب زاده پس میبگردید پیشنهاد خودتان را ؟

که ما باسمازایه باید صادرات داشته باشیم که واردات خودمان را تأمین کنیم و بکمقدار دیگر هم اضافه نمایم آنوقت يك اشخاصی میبایند و این پولها را بر می دارند و از این مملکت خارج میکنند عجلاناً ما که همجو و دشمنی با نداریم و تصور هم نمیتکنم که اینطور بشود که يك اشخاصی بخوانند که سرشان را بدهند و سرمایه دیگری پیدا کنند و ببرند اگر يك همچنین چیزی هم باشد که هم مجلس شورای ملی هست و هم ما هستیم (کارروئی - نهادهای این راجع به نموده نیست ایشان میگویند اساساً نرخ و مغننه را آزاد بگذارید این نظری است که با روح و اساس این لایحه مخالف است ما خیال کردیم نرخ را آزاد بگذاریم و معامله ما هم ازاد بگذاریم علاوه بر شما آقا چرا خودمان را کول میزنیم مگر در این مدتی که نرخ آزاد نبود تجار مملکت اشخاصی حسابی این مملکت بولگانرا کجا میبردند پس بنا بر این در چنین جائی چه ضرورت دارد که بگذاریم اشخاصی طلب بکنند و گمان میکنم این لزومی نداشته باشد (صحیح است)

**ولیس** - آقایان که پیشنهاد آقای وهاب زاده را قایل توجه بیدانند قیام فرمایند  
 (عده قلیلی برخاستند)

**ولیس** - قایل توجه شد . پیشنهادی از آقای بوشیری رسیده است قرائت میشود : پیشنهاد میکنم ماده دوم را بطریق ذیل فرموشد شود :  
 ماده دوم - دولت اجازه خرید اسما خارج را بطور ازاد بیابك حالی که صلاح بداند خواهد داد ولی اسما حاصله از صادرات فقط بدارندگان جواز ورود صادره از اداره تجارت فروخته خواهد شد و اسما را که از طرق دیگر بیابك فروخته میشود در وهله اول باولیای اطفال که در خارج معقول تصدیف هستند فروخته شده بقیه بطور آزاد از طرف بانک فروخته خواهد شد .

**ولیس** - آقای بوشیری  
**بوشیری** - (در محل خود) بفرموده بنده توجهات و صورتات ما کم کم .

(عده از نمایندگان - بلند تر میشوند)  
**بوشیری** - (پشت کرسی خطاباً) بفرموده بنده توجهات و صورتات ما کم کم که داخل مرحله قانونی وارد میشود يك وقت تصور میکنم که اگر نرخ لبره بده معامله آزاد باشد بقدری درخواست خرید لبره نفاشا خواهند شد که قیمت را بالا خواهد برد يك وقت میگوئیم خیر همه فروخته خواهند بود و خریدار پیدا نخواهد کرد در صورتیکه عملاً غیر از این است برای اینکه آن روزی که لبره آزاد باشد و لبره به نرخ معمولی دنیا فروخته شود عده زیادی از تجار هستند که به وعده میفرشند جنس را و بیجور نیست صبر بکنند بفروش برسد پولش نقد بشود بعد در بازار بطوریکه امروز بطور قنچاق معامله کنند تحویل بگیرند در صورتیکه همینقدر که آزاد شد تاخیر بواسطه اعتباری که در بانک دارد برات ششماه پنجماه چهار ماهه میفرشند بیابك و اسما عایدش خواهد شد علاوه بر آن اسما امروز بطور نقد و قنچاق در بازار فروخته خواهد شد و خریدار هم همیشه خواهد بود برای اینکه همینطوریکه آقای وزیر مالیه فرمودند حجم واردات ما بیش از صادرات ما است می رود از بانک هر يك دولیره میخرد که بعد بتواند بفروشد و نفع کند بهر حال بعضی از این مواد این توضیحاتی دارد که خیلی توضیح واضح است و در بعضی مطالب که خیل مشکل و مقبل و منحصر است توضیح کم داده شد است مثلاً در این ماده دوم نوشته شد صادرات اسما حاصله از صادرات فقط بدارندگان ورودی که در برابر تصدیق سودی که حاصل شده و بیداره تجارتی داده شده . آقا اداره تجارت يك پروگرام معینی دارد جواز صدور را بکسی میدهد که تصدیق صدور را خریدار باشد یا مال خودش یا مال دیگری این دیگر توضیح لازم ندارد ما امروز نمیخواهیم در قانون تجارت توضیحی بدهیم همینقدر باید بگوئیم بدارندگان جواز ورود داده میشود همین است دیگر آنوقت در مورد احتکار قنچاق و غنود خارجی و اسما خارجی که چه موقع میشود بهش گفت احتکار کرده است همینطور بجل و میهم گمانته است

این پیشنهادی که بنده کردم از دو نقطه نظر است یکی اینکه تماس و دخالت دولت را در خرید و فروش اسامی کم میکند برای اینکه مقصود دولت حاصل است آقای وزیر مالیه فرمودند که از اسامی که ما از صادرات بدست میآوریم اجازه نداریم بک دینار بفرزیم و اگر وارد کنندگان بفرشیم بسیار خوب همین را در قانون تصویب فرمایند که در مقابل جواز ورود شما اسامی حاصله از صادرات را بدهید و اسامی که غیر از صادرات گرفتید چون یک عده از آقایان نمایندگان نوحشان راجع بمحصلین و اولادشان است که در اروپا مشغول تحصیل هستند این را بنویسید که اسامی که غیر از طریق صادرات به بانک وارد شده در وهله اول باولیا اطفالی که در خارج مشغول تحصیل هستند تصدیق وزارت معارف داده شود و فرستونند (صبح است) نه اینکه اولاد اینها کسی میخوانند بفرستند و بنده تصور میکنم که اگر باین پیشنهاد بنده رای دادند و تمام منظور آقایان دولت تامین میشود و دولت هم از یک شر احتمالی منافع استیجیه ایکنه وقتی که میگویند بانک بحساب دولت بخرند البته بعد فرمودند خودمان با بانک یک قراری میگذاریم که این مربوط بما باشد در قانون اجازه میدهد که آنها را بانک بحساب خودش بگذارد و بانکها اینها را باکال نمایان قبول خواهند کرد دیگر ما چکار داریم که دولت بحساب خودش بگذارد و قطع و ضروری هم متوجه خودش باشد و یکی هم همینطور که استدعا کردم به یک بانک بآید بانک اجازه دادن کس است بجهت اینکه بعضی از ارباب هستند که در یک بانک حساب دارند و بعضی در بانک دیگر و اگر به چهار بانک که دولت صلاح بداند اجازه بدهند آنوقت بزودی اسامی خارجی پیدا خواهند شد و رقابت مردم حاصل میشود.

**دستی** - یکمربیه دیگر قرائت شود.

**وزیر عالییه** - بعد قرائت میشود. عرض کنم که بنده تصور میکنم که اگر آقای بوشهری مرحمتاً و لطفاً این پیشنهاد را موافقت فرمایند که مسزده شود بهتر خواهد

بود اگر در این فرمول بیچی می بینند بداندگان جواز ورودی داده خواهند شد که جواز آنها بختیار صدیق نامهای صدوری تحصیل شده است این اولاً از این نقطه نظر که فرمودید قنیه را خراب نمیکند راجع بان قیمت دیگر که میفرمایند عیادت دیگری که حاصل میشود این را فراموش نفرمایند که از یک طرف دولت این اسامی را نمی خرد آزاد است (بوشهری -) بانک میخرد (مخبرد) حالا اجازه بدهید بنده تصور میکنم که اگر آقایان یک نظری بساقی بیندازند و ببینند در آن موافقی که تنها دارنده این اسامی دولت بود بهتر زمتی میاید برای محصلین اسامی تهیه می کرد آنوقت میفرمایند اطمینان داشته باشند که اگر در آتی یک مضمینه اسامی برای محصلین پیدا شود دولت البته اقدام خواهد کرد که آن مضمینه را بر طرف کند بنده خواهش میکنم بگذارند ماده همین فرمولی که هست بگذرد

**دستی** - آقایانی که پیشنهاد آقای بوشهری را . . .

(دستی - قرائت شود بیستم چیست)

**پیشنهاد آقای بوشهری**

بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم بطریق ذیل نوشته شود: دولت اجازه خرید اسامی خارجی را بطور آزاد به بانکهای که صلاح بداند خواهد داد ولی اسامی حاصه از صادرات فقط بداندگان جواز ورود صادره از ادارات تجارت فروخته خواهد شد و اسامی که از طریق دیگر بیاک فروخته شده در وهله اول باولیا محصلینی که در خارج مشغول تحصیل هستند فروخته شده مازاد آن بطور آزاد از طرف بانک فروخته خواهد شد.

**دستی** - بد نیست خوب است این پیشنهاد

**دستی** - آقایانی که با این پیشنهاد موافقت دارند

قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

**دستی** - قابل توجه نشد. پیشنهادی از آقای دستی

رسیده است قرائت میشود:

**پیشنهاد آقای دستی**

بنده بسمه ذیل را به ماده دوم الحاق و پیشنهاد میکنم بسمه - در فروش اسامی غیر حاصله از فروش صادرات دولت تکلف است خرج تحصیل محصلین ایرانی را در خارج بدهد بر سایر نفقات کنندگان اسامی خارجی قرار بدهد.

**دستی** - آقای دستی

**دستی** - عرض کنم غالب آقایان وزیرا وقتیکه پیشنهادی میشود خواهش میکنند میسزده سزده دارند بنده هم میخواهم خواهش کنم که این پیشنهاد را قبول کنند که ضرری هم برای دولت ندارد (خنده نمایندگان) دلیلش هم این است که اغلب آقایان علاقمندند و مردم هم در خارج دچار زحمت هستند بنده خودم برادرم جزو محصلین دولتی است و الا آن سه ماه است حقوق بهش رسیده است حالا سایرین را دیگران و متمیزان معلوم است چطور است. این قسمتی را هم که آقای بوشهری فرمودند که قبلاً نفقات کنندگان اسامی خارجی زیاد خواهد بود و اسباب زحمت خواهد بود این که شپه ندارد و اسباب زحمت میشود برای اینکه غالباً مردم حساسند که یک رخهای بیشتری را بخرند و مراجع بآید بکنند بنابراین غالب اسامی که در بازار هست اینها میروند بصرف حاله التجاره و برای محصلین چیزی باقی نماند دولت هم از طرف دیگر همانطوریکه آقایان بزمالیه فرمودند میخواهد اسامی خارجی که از فروش صادرات بدست آمده است این را مخصوص بوزارت بگذرد اما هم موافقت میکنم فقط بنویسند از اسامی که غیر از صادرات باشد این را در درجه اول تخصیص به محصلین بدهند و آقای وزیر مالیه هم البته تصدیق میفرمایند این را و بنده از ایشان خواهش میکنم که با این پیشنهاد موافقت فرمایند و تمام اولیای محصلین را از خودشان منشرک کنند.

(صبح است)

**وزیر عالییه** - بنده اول عرض کردم چون مطلب

مطلب عالییه است که باین معنی اگر بدست دولت بیاید

این را بنده عرض کردم که بهتر اینطور است یعنی تصور میکردم بهتر است اگر مقصود اسامی صادراتی است که نسبت بان مردم تمهید دارند ولی نسبت با سایر غیر صادره که نسبت و اشکالی بیچی نمی آید راجع به محصلین حالا همینطور است دولت محصلین را در درجه اول مقدم داشته است بعضی اوقات هم احتیاجات خودش را در فرستادن معطل نگذارد است و اینها را راحت کرده است ولی نوشتن این در این چادریست

نیست یعنی منتهت صحیحی ندارد برای اینکه خود دولت سعی خواهد کرد که در موافق لازمه اسامی را در هر کجا که هست بخرد و برای محصلین تهیه کند که آنها در مضمینه باشند ولی اگر اسامی پیدا شد آنوقت چه خواهد کرد و این اشکال با پیشنهاد جناب عالی بیشتر میشود و مقصود حاصل نمیشود و این لایحه که با آن هست اینرا حل میکند اینها یک مضمینه دولتی هم بمشاهدان اسامی در متن بودجه منظور نشده است و بنوعی هم آورد ولی چون اسامی نبوده است خود دولت و حتی محصلین دولت هم در مضمینه بودند ولی حالا در این ازادی از این جهت بنده امیدوارم و مکرر هم عرض کردم و بتفصیل بنده پیدا خواهد شد و همیشه که اینطور نخواهد بود از این جهت احتیاج پیدا نخواهم کرد ولی آکر واقعاً پیدا نشد و کمپاب شد یعنی سه بدست دولت آمد نه بدست خود مردم باید دولت یک فکر اساسی دیگری بکند و این جائز نیست این نمیشود لهذا در این حال عقیده بنده این است که اگر موافقت فرمایند و بهمین عنوانی که در دست دولت هست قبول فرمایند بهتر است (صبح است)

**دستی** - آخرین پیشنهاد در ماده ۲ قرائت میشود:

**پیشنهاد آقای مخبر فرهند**

بنده پیشنهاد میکنم خرج تحصیل محصلینی را که بوزارت خانه ها عهده دار هستند بترتیب سابق پرداخته شود

**دستی** - آقای فرهند

**فرهند** - عرض بنده این بود که چون در اینجا ذکر شده است و چون این لایحه تقریباً تماس دارد با

نمدهای که وزارت خاها کرده اند با محصلین و نا کنون به پهلوی شش تومان میبرداخته اند عرض بنده این بود که این ترتیب کافی السابق بر قرار باشد و همچنین بانوشی که آقای وزیر مالیه فرمودند بنده مستز میکنم.

**ولیر مالیه** - هیچ نگاری لازم نیست داشته باشند همان طوری که دولت در سابق می داد و در بودجه خودش به پهلوی منظور کرده بود و اعتبارش را داشت میدهد و این قانون ابتدا نیفری بحال آنها وارد نمی آورد و حتی بنومان هم میدادیم. آن مثل هم که آقای دشنی فرمودند آن را هم چون اسمار پیدا نمیشد حالا بر فرض اگر ده تومان هم باشد میگیرم و میبخرم و میفرستم دولت البته در مورد محصلین خودش مسئولیت مستقیم دارد و نگاهداری خواهد کرد (کافی است)

**ولیس** - رای میگیرم بماده دوم. ایشان قانع شدند. عده از نمایندگان - پیشنهاد آقای دشنی چه شد؟

**ولیس** - ایشان هم مستز کردند  
**دشنی** - بلی صحیح است.

**ولیس** - موافقین بماده دوم قیام فرمایند  
(اکثر برخاستند)

**ولیس** - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود:  
ماده سوم - عملیات ذیل ممنوع است.

۱ - احتکار اسمار با قودت خارجی.  
۲ - صدور طلا به صورتی که باشد.

۳ - وارد کردن نقره خواجه بشکل مسکوک خواجه بشکل دیگر بستاننده اشیاء نقره زرگری شده

۴ - صدور نقره مسکوک یا شش مگر با اجازه دولت

**تیسره** - هر مسافر تا بیست تومان حق صادر کردن نقره مسکوک را خواهد داشت

**ولیس** - آقای دشنی  
**دشنی** - بنده در موقع صحبت در کلیت راجع باین ماده صحبت کردم و آقای وزیر عدلیه نهمیدم

ما یک مال التجاره صادر میکنیم و در مقابلش هم یک نمدهای بکمرک داد میبندد که یا در مقابلش مال التجاره وارد کنیم و الا به بانکهای مجاز یعنی بدولت بفروشیم و این پکتانهای وارد علیحدده و یک سری دارد جدا گانه این را کافه احتکار برش اطلاق کردن که مورد ندارد یعنی اگر بر طبق نمدهایش عمل نکرد متکلفش میگویند اگر غیر از این است شاید بفرمایند مال التجاره که بخارج فرستاده شد است مثلا صدی پنج شاید نفع کند آنرا هم که توضیح دادند که باختیار خودش است و جزء احتکار محسوب نیست از این هم که گفتند شاید یک کسی یک پولی در خارج در بانکها داشت و از فایده آن امرار معاش میکرد است این را هم که احتکار نمیدانند پس بفرمایند این احتکاری که در این جا وارد کرده این چیست من هر چه فکر میکنم نمیدانم یعنی این احتکار چیست این است که پیشنهاد حذف آنرا کردم.

**ولیر مالیه** - از آقای کارزونی سؤال میکنم آیا احتکاری هست در این مملکت که شرعاً عرفاً ممنوع باشد یا نه؟ (کارزونی - هست آقای) خوب بفرمایند قواعد او چه است؟ احتکار را نمیشود یک قواعد و مواردی مخصوص برایش گذاشت که آنرا تفریح کنند تا هر قدری در موقع صدور حکم بفهمد این احتکار هست یا نیست. احتکار معنایش روی خودش است. احتکار این است که یک چیزی که محل احتیاج عمومی است در خارج کیاب است یک کسی آنرا نگاهدارد و نفروشد و قیمت آنرا بالا ببرد این معنی احتکار است (صحیح است) که در صورت دولت در هر مملکتی اختیار و قدرت مطلق باید داشته باشد برای اینکه این نوع احتکار را که باعث زحمت عامه مردم است چه زغال باشد چه اسمار خارجی جلوگیری کند (یعنی از نمایندگان - کافی است)

**ولیس** - موافقین با ماده سوم قیام فرمایند  
(اکثر برخاستند)

**ولیس** - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود:  
ماده چهارم - متخلفین از ماده ۴ و مقرراتی که دولت

بوجوب ماده یک وضع نماید (جرم و شرکاء و معاونین) بطور تصاقی معادل دو برابر بمانی که موضوع عمل یا معامله ممنوع بوده بتأویب جریمه محکوم خواهند شد

ماده دوم - این مانع نخواهد بود که اگر عمل یا معامله مشمول قوانین جزائی دیگر بشود علاوه بر محکومیت فوق متخلف ب مجازات های همین در آن قوانین نیز محکوم گردد.

**تیسره** - بکلیت تخلفات از این قانون سی در صد از جرائم مأخوذه برداشته خواهد شد

**ولیس** - پیشنهادی از آقای مؤید احمدی رسیده است قرائت میشود:

**پیشنهاد آقای مؤید احمدی**  
بنده پیشنهاد میکنم از ماده چهارم و مقرراتی که دولت بوجوب ماده ۱ وضع نماید حذف شود.

**ولیر عدلیه** - اجازه میفرمائید؟  
**ولیس** - بفرمائید

**ولیر عدلیه** - بنا بر پیشنهادی که آقای مؤید احمدی فرمودند بنده قبلاً موافقت کردم این قسمت (و مقرراتیکه دولت بعد وضع نماید) باید حذف شود.

**ولیس** - همینطور هم پیشنهاد کرده اند حالا رای میگیرم بماده چهارم یا حذف این قسمت. و موافقین با ماده چهارم یا حذف این قسمت قیام فرمایند  
(اکثر قیام نمودند)

**ولیس** - تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود:  
ماده پنجم - قانون تقشیر اسمار مصوب ۱۶ اسفند ماه ۱۳۰۸ و قانون متمم آن مصوب ۳۱ تیر ماه ۱۳۰۹ نسخ و این قانون از تاریخ تصویب بموجب اجراء گذارده میشود.

**ولیس** - موافقین با ماده پنجم قیام فرمایند  
(اکثر قیام نمودند)

**ولیس** - تصویب شد. مذاکره در کلیات ثانی است. مخالتی نیست (خبر) موافقین با مجموع این قانون قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد

۵ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه |  
 رئیس - اگر موافقت فرمائید...  
 وزیر عدلیه - میخواستم تقاضا کنم که خبر کمیسیون  
 خارجه راجع بهمد نامه روس و ایران در جلسه بعد جزو  
 دستور گذاشته شود (صحیح است)  
 رئیس - همینطور هم ماموس بودم برای خاطر اینکه  
 کمیسیون نظر اجمالی کرده است و نظر تفصیلی هم در

طرف همین دو روز خواهد کرد و راپورت ارا تهیه  
 و تقدیم مینماید جلسه آینده روز پنجشنبه ۲۸ بهمن سه  
 ساعت قبل از ظهر دستور عهدنامه ایران و دولت شوروی  
 روسیه و لایحه دخالیات (صحیح است)  
 (مجلس دو ساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)  
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

### راجع با آزادی معامله و نرخ اسماخ خارجی

ماده اول - از تاریخ اجرای این قانون معامله و نرخ اسماخ خارجی آزاد است ولی دولت مکلف است در صورت  
 ضرورت مقررات لازمه راجع به تقنیش و نرخ اسماخ به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

ماده دوم - الزامات اسماخی صادر کنندگان بطوریکه در ماده سیزدهم منقح قانون انحصار تجارت خارجی مصوب  
 ۲۰ اسفند ۱۳۰۹ مقرر است تاکنون باقی بوده و اسماخ حاصله از این طریق را دولت در حساب مأموس نگاه داشته  
 و در مرحله اول به دارندگان جوازهای ورودی که باعتبار تصدیقنامه های صدور می تحصیل شده و برای تصدیقنامه های  
 مزبور تمهد اسماخی اخذ شده باشد تخصیص خواهد داد

ماده سوم - عملیات ذیل منبوع است:

۱ - احتکار اسماخ با نقود خارجی

۲ - صدور طلبهر صورتی که باشد

۳ - وارد کردن نقره خوام بشکل مسكوك خوام به اشكال دیگر باستثناء نقره زرکری شده مگر بر طبق اجازه دولت

۴ - صدور نقره مسكوك یا شمش مگر با اجازه دولت

تبصره - هر مسافر تا بیست تومان حق صادر کردن نقره مسكوك خواهد داشت

ماده چهارم - متخلفین از ماده ۳ (مجرم و شرکاء و معاونین) بطور تضامنی معادل دو برابر مجازاتی که موضوع  
 عمل با معامله متبوع بوده بتأدیبه جریمه محکوم خواهد شد این امر مانع نخواهد بود که اگر عمل با معامله مشمول  
 قوانین جزائی دیگر بشود علاوه بر محکومیت فوق متبعلف به مجازاتهای معین در آن قوانین نیز محکوم گردد

تبصره - یکششین تخلفات از این قانون سی در صد از جرائم مأخوذه برداخته خواهد شد

ماده پنجم - قانون تقنیش اسماخ مصوب ۶ اسفند ماه ۱۳۰۸ و قانون منقح آن مصوب سی و یکم تیر ۱۳۰۹

منسوخ و این قانون از تاریخ تصویب بوقع اجرا گذاشته میشود

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه بیست و چهارم بومن ماه یکمزار و سیصد و ده شمسی بتصویب  
 مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر